



وزیر راه و شهرسازی:

بساط قیمت گذاری
باید برچیده شود!

صفحه ۳

وطن امروز

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

با دستور اوپاما

بانک‌های ایرانی در صورت همکاری با حزب‌الله لبنان مجازات می‌شوند!

تحریم‌های پسا برجام

صفحه ۲

یکشنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۴ | ۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۷ | ۲۰ دسامبر ۲۰۱۵ | سال هشتم | شماره ۱۷۷۵ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

سال دولت وملت، همدلی و همزبانی

شهادت‌غریبانه ابن‌الرضا، پدرا امام‌زمن

گفت‌وگو

تحلیل مواضع پر خاشگراانه رفسنجانی
در گفت‌وگو با دکتر پرویز امینی

مواضع هاشمی خاستگاه روانشناسانه دارد

ارزیابی تصمیمات هاشمی
با معیار «واقعیت»، «قانون»، «آزادی»
یا «مردم‌سالاری» و ... خطاست

چندی پیش دکتر پرویز

امینی، جامعه‌شناس و تحلیلگر
مسائل سیاسی و اجتماعی با
طرح مساله «دنیای بطلمیوسی
هاشمی‌رفسنجانی»، تحلیل



روانکاوانه‌ای از شخصیت هاشمی‌رفسنجانی
ارائه داد. طی ۲ ماه اخیر، هاشمی‌رفسنجانی
اظهاراتی داشته است که تحلیل پیشین
پیرامون «خودمرکزپنداری» آقای هاشمی را
علاوه بر مصداق قبلی تایید می‌کند. هاشمی
طی روزهای اخیر با توهین به منتقدان، به طور
جسدی وارد فاز عملی برای انتخابات خبرگان
شده است. توهین‌های هاشمی به هر کس که
در نزدیکی مرز جبهه رقیب سیاسی تعریف
می‌شود، در همه دیدارهای او تکرار می‌شود. این
توهین‌ها چگونه تحلیل می‌شود؟ در این رابطه با
پرویز امینی گفت‌وگو کرده‌ایم.

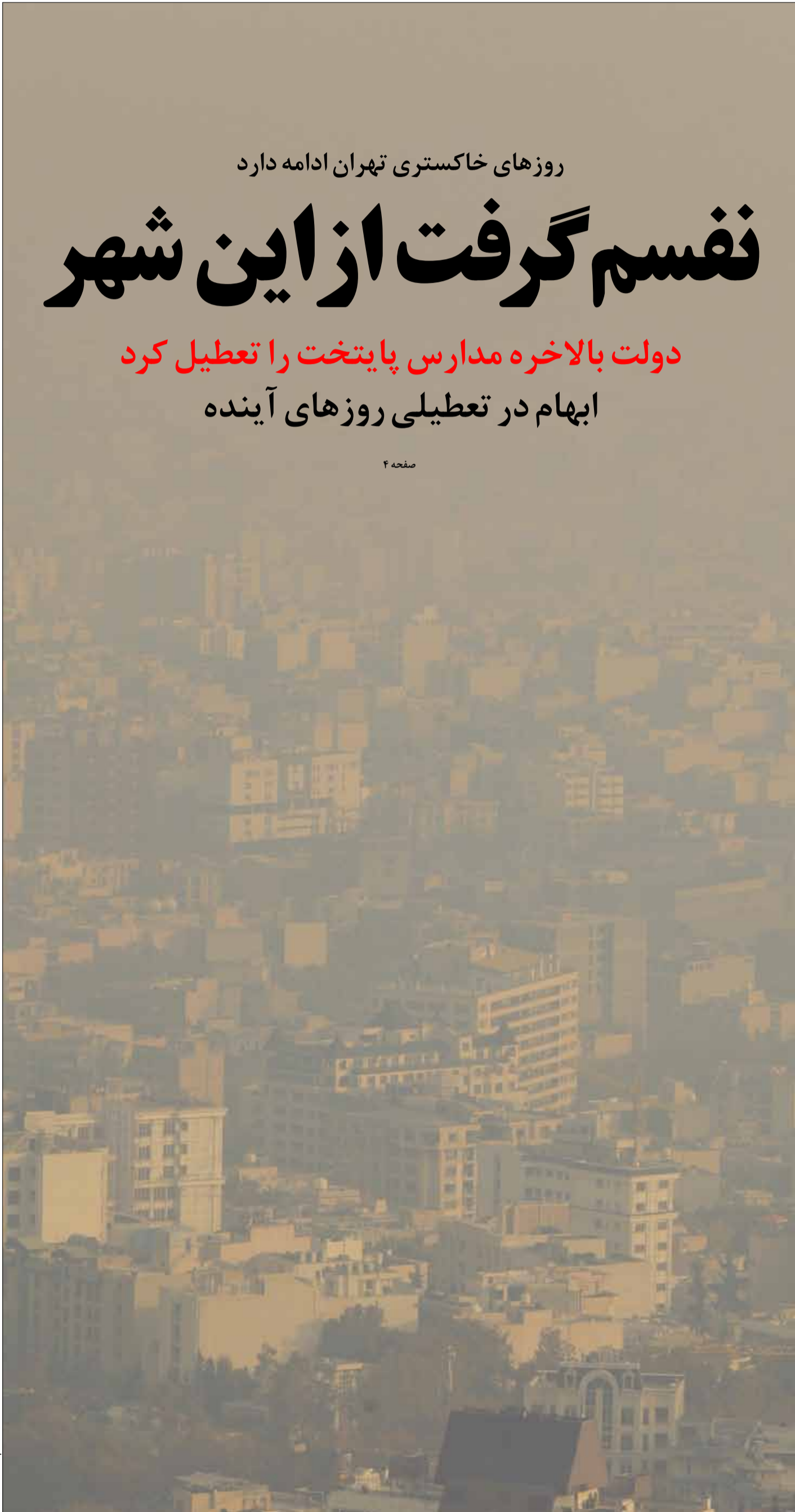
■ هاشمی‌رفسنجانی این روزها به عنوان
کاندیدای انتخابات مجلس خبرگان به صحنه
آمده است و تقریباً بیشتر از باقی افراد به جهت
داشتن تریبون، اظهارات سیاسی - انتخاباتی
مطرح می‌کند. اخیراً او منتقدان را به کلاغ
تشبیه کرده است. پیش‌تر نیز مواجهه‌ای عصبی
با جریان سیاسی رقیب خود داشته است. شما
رفنار آقای هاشمی را چطور تحلیل می‌کنید؟
آیا همان ساختار شخصیتی دو مولفه‌ای
«خودمرکزگرا - پراگماتیست» را در توضیح
مواضع جدید هاشمی قبول دارید؟

بله! خاستگاه مواضع هاشمی «روانشناسانه»
است. تحلیل مواضع و ارزیابی تصمیمات
هاشمی با معیار «واقعیت»، «قانون»، «آزادی»
یا «مردم‌سالاری» و ... خطاست. چون همه اینها
عمدتاً ذیل وجوه شخصیتی هاشمی معنادار
است. هاشمی شخصیتی «گوسنترستی»
(خودمرکزگرا) دارد. بنابراین مواضع او یا در
تثبیت این «خود مرکزگرایی» است یا در
واکنش و مقابله با «مرکززدایی»‌ها از اوست.

■ بیشتر توضیح می‌دهید؟

مثلاً اینکه پیروزی روحانی در انتخابات
سال ۹۲ را نتیجه ثبت‌نام خود در آن انتخابات
بداند، تثبیت این خودمرکزگرایی است. این
خودمرکزگرایی تا جایی پیش می‌رود که تلقی
جناب هاشمی این می‌شود که تنها با ثبت‌نام او،
یک نفر دیگر رئیس‌جمهور می‌شود! در حالی که
اگر چنین بود لازم نبود او حمایت خود از روحانی
را تا بعد از منظره سوم که فضا به نفع روحانی
تغییر کرد و روزهای آخر به تأخیر بیندازد. در
واقع روحانی با سیاست‌ورزی، فضای انتخابات را
به سمت خود کشید، اگرچه هاشمی دست‌کم به
دلیل رد صلاحیت شدن، نمی‌خواست با ورود در
حمایت از کسی به این فرآیند مشروعیت بدهد. اگر
ثبت‌نام هاشمی این میزان در رئیس‌جمهور شدن
دیگران موثر بود، باید در حمایت وی از ولایتی و
عارف و دیگران نیز جواب می‌داد و می‌توانست آنها
را نیز رئیس‌جمهور کند. حالا واقعا اگر هاشمی
حمایت خود را پشت سر ولایتی و عارف هم
می‌برد، آنها رئیس‌جمهور می‌شدند؟ این گزاره
دست‌کم در کامان سنس (Common Sense)
جامعه حرف نامربوطی است اما مساله برای
جناب هاشمی، «واقعیت بماهو واقعیت» نیست
بلکه واقعیت چیزی است که خودمرکزگرایی او
را تثبیت کند و «واقعیت» چیزی است که از
جناب هاشمی مرکززدایی کند. یا مثلاً هاشمی
رأی مردم در سال ۹۲ را به معنای خواست
مردم برای عدم تجربه تلخ دوره ۸ ساله دولت
سابق تفسیر کرده اما رأی قاطع‌تر و سنگین‌تر
خاتمی در دوم خرداد [از روحانی در سال ۹۲]
چه معنایی داشت؟ کسی هست که رأی
۲۰ میلیونی خاتمی بعد از اتمام دوره ۸ ساله
هاشمی را به معنای تمایل مردم به تکرار
تجربه مطبوع دولت‌سازندگی تحلیل کند؟!
ذهنیت منفی درباره دوره سازندگی و جناب
هاشمی آنچنان در جامعه ایران سنگین و عمیق
بود که در یک دوره طولانی ۲۰ ساله، هرگونه
انتساب به وی، موجب سقوط سیاسی افراد و
جریانات سیاسی مثل جناب ناطق‌نوری در سال
۷۶ و موسوی در سال ۸۸ و ...
ادامه در صفحه ۵

عکس: آبراهیم جعفری/وطن امروز



روزهای خاکستری تهران ادامه دارد

نفسم گرفت از این شهر

دولت بالاخره مدارس پایتخت را تعطیل کرد ابهام در تعطیلی روزهای آینده

صفحه ۴

مستند



انتشار قسمت سوم مستند «بعد از خمینی»
■ چرا دیدن این مستند را به نسل جوان
توصیه می‌کنیم!؟

تاریخ همواره پر است از وقایع مبهم و
ناگفته‌هایی که یافتن و رمزگشایی از آنها می‌تواند
چراغ راه آینده باشد. حضرت امیر(ع) نیز همین
راهگشایی تاریخ در تحلیل آینده را مدنظر قرار
داده‌اند. آنجا که می‌فرمایند «وَلَوْ اُعْتَبِرْتُ بِمَا
مَقَّسَى، حَفَظْتُ مَا بَقِيَ»؛ اگر با چشم عبرت به
تاریخ بنگری، آینده‌ات را پاس خواهی داشت». **رهبان**
رهبر انقلاب نیز احتمالاً از جوانان نسل سومی
همین انتظار تحلیل درست از آینده را داشته‌اند
که در جلسات مختلف آنها را دعوت به مطالعه
تاریخ بویژه تاریخ انقلاب اسلامی کرده‌اند.
بی‌شک زدودن غبار از صفحه‌های
خاک‌گرفته‌ای که به دلایل غیرموجه در بستوی
نمور گذشته پنهان شده‌اند کار پرچالشی است
که جرأت و همت را همزمان به یاری می‌طلبد
اما حقیقتاً ارزش این گنج به رنج و سختی آن
می‌آزد.

مستند «#بعد از خمینی» تلاشی است
از همین جنس توسط عده‌ای که آنها را نسل
سومی صدا می‌زنند. تنها نسلی که حال و هوای
قدیم و جدید انقلاب را توأمان چشیده و از این
رو است که شاید بتواند پس از اسام را برای
خمینی ندیده‌های هم نسل خود روایت کند.
ناگفته‌ها را از دل خروارها مصلحت‌اندیشی برای
ناشنیده‌ها بیرون بکشد و احتمالاً بهای جسامت‌ش
را هم بپردازد!

آنطور که سازندگان می‌گویند این اثر حاصل
۲ سال پژوهش از میان اسناد، مصاحبه‌ها و
خاطرات مردان نسل اول انقلاب است که
به تهیه‌کنندگی «شبکه خبری - اجتماعی
افسران» و کارگردانی حجت‌الله نیکی‌ملکی از
ناگفته‌های «دهه دوم انقلاب اسلامی» روایت
خواهد کرد. داستان از آخرین سال عمر حضرت
امام آغاز می‌شود و تا پایان دوران سازندگی ادامه
خواهد داشت.

این فیلم که در واکاوی دوران بعد از امام
خمینی به اتفاقات و تحولات سال‌های سازندگی و
توسعه‌رسیده، از زوایای مختلف سیاسی، اجتماعی
و اقتصادی، ناگفته‌های آن روزها را روایت می‌کند
و برای تصویر کردن فضای روی کار آمدن دولت
سازندگی، مروی بر سال‌های قبل از آن دارد. در
قسمت‌های ابتدایی این مستند به چالش‌های
سال‌های پایانی دوران خمینی کبیر از جمله
نخست‌وزیر و استعفاهاش، ماجرای قائم‌مقامی
رهبری و عزل منتظری و جلسه تاریخی انتخاب
رهبان در مجلس خبرگان در خرداد ۶۸ پرداخته
شده‌است. از تلاش‌های برخی سیاست‌مداران برای
تحقق رویای شورای رهبری می‌گوید؛ روایی که
اتفاقاً این روزها دوباره مجال بیان آن را یافته‌اند.
این مستند روایتی کامل و صحیح از جلسه
تاریخی مجلس خبرگان رهبری را با رعایت انصاف
برای نسل جوان بیان می‌کند. روایتی که برخلاف
تکرار روایتی است که همان سیاست‌مداران امروز برای
مردم بازگو کرده‌اند.

«#بعد از خمینی» که برای توزیع در
رسانه‌های اجتماعی و تلفن همراه تولید شده
است از طریق همین بسترهای نوین که اتفاقاً فرد
فرد نسل جوان را به یکدیگر پیوند داده به دست
مخاطب رسیده و توانسته است مخاطب صدها
هزار نفری داشته باشد.

بی‌تردید دانستن اینکه ایران در سال‌های
بعد از خمینی چه وقایعی را و چگونه پشت
سر گذاشته است، می‌تواند عبرت بی‌بدیلی
برای ترسیم آینده‌ای شفاف‌تر و بالنده‌تر ارائه
دهد. «#بعد از خمینی» تلاش کرده در عین
انصاف، صریح و شفاف باشد و حقایق را فدای
مصلحت‌سازی‌ها نکند.

و در آخر از آنجا که این روایت تاریخی برخی
پیش‌فرض‌های رایج را به چالش می‌کشد توصیه
می‌کنیم؛ اگر متعصب نیستید این مستند را ببینید!